
جامعه‌شناسی تقسیم کار خانگی در سیره معصومین (ع)

حمیدرضا فاتحی^۱، سیدمحمد ثقفی^۲ و امیرمسعود امیرمظاهری^۳

چکیده

تقسیم کار خانگی به معنی تفکیک وظایف براساس جنسیت در خانواده، تابع قواعدی از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است. با افزایش حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، بحث از جنسیت، تقسیم کار خانگی و رابطه آن با حضور اجتماعی زنان در ارزش‌های دینی، به طور جدی مطرح است. هدف این پژوهش شناخت همه‌جانبه تقسیم کار خانگی با توجه به بافت اجتماعی زمان معصومین با مقایسه نسبت به قبل از آن است. روش در این پژوهش، تاریخی و از نوع اکتشافی و توصیفی است و داده‌ها کیفی است. مبنای تحلیل داده‌ها، تحلیل گفتمان است. گفتمان هم به عنوان صورتی خاص از زبان و هم صورتی خاص از تعامل اجتماعی، در سه سطح، تحلیل اجتماعی، شناخت اجتماعی و ابعاد گفتمان، به توصیف تقسیم کار خانگی در سیره معصومین و مقایسه با دوره قبل از اسلام، می‌پردازد. ارزش تقسیم کار خانگی، جنسیت و تقسیم کار خانگی از نظر وظایف حقوقی زن و شوهر ناشی از ویژگی‌های فطری و غریزی و نحوه انجام وظایف حقوقی و اخلاقی آنها ناشی از یادگیری و فرهنگ حاکم بر خانواده و جامعه، تقسیم کار خانگی و حضور اجتماعی زن، حضور اجتماعی زنان در صدر اسلام و چند جانبه بودن تقسیم کار خانگی در سیره معصومین نسبت به دوره قبل از اسلام، محورهای اصلی این پژوهش می‌باشند. بافت اجتماعی، بایدها و نبایدها، نوع نگرش و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی، با گفتمان تقسیم کار خانگی و بالعکس، ارتباط پیچیده و چند جانبه دارند و تغییر و یا اصلاح در هر کدام، در سایر ابعاد اثر گذار است.

واژگان کلیدی: تقسیم کار خانگی، تحلیل گفتمان، توزیع قدرت در خانواده، حضور اجتماعی زن، سیره معصومین

۱. عضو هیأت علمی و دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ایران، تهران، fatehi@riau.ac.ir

۲. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشیار، ایران، تهران،

۳. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، استادیار، ایران، تهران، (نویسنده مسئول)
moh.saqafi_nejad@iauctb.ac.ir

مقدمه

تقسیم کار خانگی بر مبنای جنسیت موضوعی به قدمت تاریخ بشر است. تحقیق‌های دیرینه شناسی شکل‌هایی از تقسیم کار جنسی را در دوران‌های بسیار دور نشان می‌دهد (بستان، ۱۳۸۵: ۱۳۷). تقسیم کار جنسی در دوره‌های بعد و تا زمان معاصر در الگوهای غالباً نابرابر تداوم یافته است. از حیث میان فرهنگی نیز نتایج تحقیق‌های انسان‌شناسان بر جهان شمولی پدیده تقسیم کار جنسی مهر تأیید زده اند (همانجا). در سده گذشته علیرغم تلاش برای ایجاد نگرش تشابه بین کار خانگی و کار بیرون از خانه برای زن و مرد، فقط سختی کار بیشتری بر زنان تحمیل شده است و زنان در بیشتر مواقع علیرغم کار بیرون از منزل همچنان مسئولیت کار خانگی را به‌عهده دارند. و حال آنکه کار بی‌مزد، به ویژه کار زنان در حوزه خانگی،... به اندازه اشتغال مزد بگیری برای اقتصاد ضروری است. برآورد شده است که کار خانگی از نظر ارزش تقریباً معادل یک سوم کل تولید سالانه در یک اقتصاد امروزی است (گیدنز، ۱۳۸۱: ۵۵۵). با گسترش حضور زنان در مشاغل مختلف اجتماعی افزایش مسئولیت آنان در خانه و بیرون از آن، و همچنین تفاوت و تبعیض در مسئولیت‌های فردی و اجتماعی زن و مرد، بحث از تقسیم کار خانگی نیز جدی تر مطرح، و نظر محققین را به خود جلب و اهمیت پژوهش پیرامون آن را دو چندان نموده است. هم چنین نسبت دادن تقسیم کار خانگی و حضور و عدم حضور اجتماعی زن، به ارزش‌های دینی، و وجود اختلاف نظر در این زمینه، پژوهش با نگاهی همه جانبه را ضروری می‌سازد. چون سیره معصومین برای شیعیان حجت و یکی از معیارها در معارف دینی است، لذا پژوهش پیرامون سیره^۱ معصومین در این زمینه می‌تواند راهگشا باشد. این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که، تقسیم کار خانگی در سیره معصومین (علیهم السلام) چگونه مطرح شده است؟ و چه تفاوتی با دوره قبل از اسلام دارد؟ لذا در این پژوهش سعی خواهد شد با نگاهی همه جانبه و با توجه به شرایط اجتماعی زمان معصومین (نگاه همدلانه تاریخی)، موضوع بررسی شود.

۱ مقصود از سیره معصومین، گفتار (قول)، رفتار (فعل)، و تأیید رفتار (تقریر) از سوی آنان است. تقریر یا همان تأیید رفتار عبارت است از اینکه شخصی در حضور معصوم سخنی را ابراز و یا عملی را انجام دهد و معصوم آن را رد نکند؛ در صورتی که شرایط تقیه نباشد، نشان از تأیید آن است. سیره معصومین بر شیعیان حجت است.

اهداف پژوهش

معنای هدف‌مندی تحقیق این است که محقق به خوبی بداند در چه فضا و چارچوبی کار می‌کند و به چه سویی می‌رود و پاسخگوی چه پرسش یا پرسش‌هایی است. پژوهش اجتماعی می‌تواند هدف‌هایی مانند اکتشاف، توصیف، تبیین، فهم، پیش‌بینی، تغییر، ارزشیابی (بلیکی، ۱۳۸۴: ۱۰۰) داشته باشد؛ و این پژوهش به اکتشاف و توصیف تقسیم کار خانگی در سیره معصومین (علیهم‌السلام) می‌پردازد. لذا هدف اصلی، شناخت تقسیم کار خانگی در سیره معصومین با توجه به بافت اجتماعی زمان ظهور اسلام است. برای شناخت بهتر سیره در این زمینه، مقایسه با بافت اجتماعی قبل از اسلام انجام می‌شود. در ضمن این هدف اصلی، هدف‌هایی مانند، جنسیت و تقسیم کار خانگی (قبل و بعد اسلام)، تقسیم کار خانگی و مشارکت اجتماعی زنان (قبل و بعد از اسلام) و حضور اجتماعی زنان در صدر اسلام، از جمله هدف‌های فرعی در این پژوهش هستند.

پرسش‌های تحقیق

پرسش اصلی این پژوهش از یک جهت واقعی، و از جهت دیگر تطبیقی (گیدنز، ۱۳۸۱: ۳۹) است؛ و پرسش واقعی عبارت است از اینکه، تقسیم کار خانگی در سیره معصومین (علیهم‌السلام) چگونه بیان و عمل شده است؟ و پرسش تطبیقی عبارت از اینکه چه تفاوتی با شرایط فرهنگی اجتماعی قبل از آن زمان، دارد؟ در ضمن سؤال اصلی، به سؤال‌های فرعی مانند: در سیره معصومین؛ تقسیم کار خانگی بر مبنای جنسیت چگونه بیان و عمل شده است؟ و چه تفاوتی با دوره قبل از آن دارد؟ با توجه به تقسیم کار خانگی، حضور اجتماعی زن در سیره معصومین چگونه ارائه شده است؟ و در صدر اسلام، زنان در چه زمینه‌های اجتماعی حضور داشتند؟ پاسخ داده می‌شود.

پیشینه پژوهش

در زمینه تقسیم کار خانگی در اسلام، مقاله‌ها، کتاب‌ها و پایان‌نامه‌های بسیاری نگاشته شده است. برخی مقاله‌ها^۱ پیرامون تقسیم کار خانگی و نقش آن در استحکام زندگی، بحث نموده‌اند؛ که برخی روایات را در این زمینه ارائه می‌کنند. برخی دیگر، حاصل تحقیق میدانی در مورد

۱ در این زمینه می‌توان به پرتال جامع علوم انسانی و یا سایت مجله‌های نور از طریق گوگل مراجعه شود.

تقسیم کار خانگی در جامعه هستند؛ که در آنها با پرسشنامه و یا مصاحبه وضعیت جامعه امروز را با آیات و روایات مقایسه می‌کنند. کتاب‌هایی که پیرامون خانواده در اسلام نگاشته شده اند، بیشتر به حقوق و وظایف اعضای خانواده و نقش آنها در استحکام خانواده پرداخته اند. فقط در کتاب اسلام و جامعه شناسی خانواده^۱، نویسنده محترم دیدگاه های جامعه شناختی را تحلیل نموده و در هر مورد از بحث، به دیدگاه اسلام در موافقت یا مخالفت اشاره می نماید؛ که در این مقاله به برخی از مباحث آن استناد شده است. و اما پایان نامه های تحصیلات تکمیلی که در زمینه تقسیم کار خانگی نگاشته شده اند، بیشتر پیرامون نگرش سنجی درباره تقسیم کار خانگی بین دو جنس مختلف به صورت میدانی بحث کرده اند^۲. در این پژوهش سعی می شود با تکیه بر سخنان و به ویژه نحوه رفتار معصومین و مقایسه آن با بافت اجتماعی قبل از اسلام، با نگاهی همه جانبه تر به موضوع پرداخته شود.

مبانی نظری

در پژوهش‌های با استراتژی استفهامی، تحقیق با توصیف فعالیت‌ها و معانی شروع می‌شود سپس از این فعالیت‌ها و معانی، مقوله‌ها و مفاهیمی استخراج می‌شود که می‌تواند به عنوان مبنایی برای درک یا تبیین مسأله موجود مورد استفاده قرار گیرد. در این نوع پژوهش، جهان اجتماعی دنیایی است که به وسیله اعضای آن از درون مورد درک و تجربه قرار می‌گیرد و وظیفه دانشمند اجتماعی کشف و توصیف این دیدگاه درونی است نه اینکه دیدگاهی را از بیرون به آن تحمیل کند (بلیکی، ۱۳۸۹، ۱۲۳). از نظر «وینچ» در علوم اجتماعی دو زبان موجودند: زبان دانشمندان اجتماعی و زبان مشارکت کنندگان. پژوهش باید در بافت پژوهش صورت گیرد و نه در بافت محقق، و باید از واقعیت های اجتماعی شروع شود نه از واقعیت های جامعه شناختی. به عقیده وی، مفاهیم مورد استفاده توسط اقوام بدوی را تنها می‌توان در بستر شیوه زندگی این اقوام تفسیر نمود (همان، ۱۲۷). لذا این پژوهش نظریه محور نیست ولی چون تحلیل داده‌ها از طریق تحلیل گفتمان است، آن گونه که یورگنسن و فیلیپس می‌گویند در تحلیل گفتمان، نظریه و روش در هم تنیده شده است و محققان برای استفاده از تحلیل

۲ از نویسنده محترم حسین بستان که در این پژوهش بدان نیز استناد داده شده است.

۳ در پایگاه اطلاعات علمی ایران (ایران داک) در مقاطع تحصیلی ارشد و دکتری از دانشگاه های مختلف پایان نامه ها ثبت است.

گفتمان به عنوان روش تحقیق، باید مفروضات فلسفی اصلی آن را بپذیرند و این امکان وجود دارد که هر محقق بسته خودش را با ترکیبی از عناصر و دیدگاه‌های مختلف تحلیل گفتمان و حتی دیدگاه‌های تحلیلی غیر گفتمانی ایجاد کند (محقق کدام رویکرد تحلیل گفتمان را استفاده کند). چنین کار تلفیقی نه تنها امکان پذیر بلکه ارزشمند است، چرا که دیدگاه‌های مختلف، اشکال مختلفی از دانش درباره پدیده مورد نظر را تولید می‌کنند و در نتیجه منجر به فهم گسترده‌تری از آن پدیده می‌شوند (قجری، ۱۳۹۲: ۳۶). گفتمان هم صورتی خاص از زبان است و هم صورتی خاص از تعامل اجتماعی است. «گفتمان نه تنها شامل مشخصه‌های مشهود کلامی و غیر کلامی و تعاملات اجتماعی و کنش‌های کلامی می‌شود، بلکه علاوه بر آن شامل آن دسته از بازنمودهای شناختی و راهبردهایی نیز می‌شود که در جریان تولید و ادراک گفتمان ایفای نقش می‌کنند» (ون دایک، ۱۳۸۲: ۲۸۳).

بافت اجتماعی سیره معصومین، با بافت اجتماعی محقق هم فاصله تاریخی، و هم تفاوت زیادی دارد. لذا بر مبنای نظر گیدنز^۱ که در این گونه موارد لازم است محقق غرق در فرهنگ گروه مورد مطالعه شود و دقت در فهم آن داشته باشد (بلیکی، ۱۳۰)، لازم است دیدگاهی از تحلیل گفتمان در نظر گرفته شود که برای تبیین آن فرهنگ مناسب باشد. به همین جهت رویکرد شناختی اجتماعی «ون دایک»^۲ با توجه به مبانی و ابعاد در نظر گرفته شده، مناسب این پژوهش است.

از نظر «ون دایک»، هر سطح گفتمان مفاهیم خاص خود را دارد. گزاره‌ها، نسبت گفتمانی (هر گزاره تحت تأثیر گزاره‌ها پیشین است)، انسجام (روابط معنایی میان گزاره‌ها)، سبک (چارچوب ارائه گفتمان)، رتوریک (تمهیدات اقناعی در گفتمان) و ساختارهای طرح‌واره، جنبه‌های مختلف گفتمان هستند که باید مورد توجه قرار گیرند (همان، ۱۶). به نظر ون دایک، در مطالعه گفتمان، به مثابه کنش و تعامل، «بافت» نقشی بنیادین در توصیف و تبیین متن و گفت و گو ایفا می‌کند (قجری، ۹۶). وی، بافت را به دو قسم، موضعی یا تعاملی (مانند محیط، مشارکان، اهداف و نیت‌ها و...) و عام یا اجتماعی (مانند ساختارها، کنش‌های سازمانی، مشارکان به عنوان قانونگذار یا مجری و یا در مقام رده‌ها و گروه‌های جنسیتی و یا دارای قدرت و...) تقسیم می‌کند. از نظر ون دایک گفتمان شکلی از «کنش» است و فعالیت‌های انسان‌ها (یا خود

^۱ Giddens

^۲ Van Dijk, Teun Adrianus

داری آنان از انجام کاری) معمولاً تنها موقعی کنش نامیده می‌شود که با نیت قبلی همراه باشند (همان، ۹۰).

به نظر ون دایک، یک مبحث بنیادی که بین گفتمان و جامعه ارتباط برقرار می‌سازد، «ایدئولوژی» است. از نظر وی، ایدئولوژی‌ها هم شناختی و هم اجتماعی هستند و امکان پیوند بین سطح خرد و کلان را امکان پذیر می‌سازند (قجری، ۱۸۱). ایدئولوژی به روابط اجتماعی سلطه محدود نیست؛ بلکه مردم ایدئولوژی‌ها را طراحی می‌کنند تا معضلات مشخصی را حل کنند؛ بنابر این ایدئولوژی‌ها در خدمت حل مسأله هماهنگی اعمال افراد عضو گروه‌های اجتماعی هستند (همان، ۱۲۶). ایدئولوژی‌ها و محتوای آنها مقولاتی بسیار کلی و عام هستند؛ برای آن که آنها در شرایط مختلف برای بیشتر اعضای گروه کارکرد مطلوب داشته باشند، بنیادین، عمومی و انتزاعی باشند (همان، ۱۲۸).

برای شناخت فرهنگ و واقعیت‌های صدر اسلام، می‌توان آن را در قالب گفتمان مورد بررسی قرار داد. لذا دو گفتمان قبل از اسلام (که به دوره جاهلی معروف است) و بعد از اسلام که در سیره معصومین ارزیابی می‌شود، در این پژوهش بررسی و با یکدیگر مقایسه می‌شوند. بنابر این، تحلیل گفتمان در سیره معصومین عبارت است از: شناخت و تحلیل گفتار و نمودهای عینی رفتار معصومین در تقسیم کار خانگی بر اساس مقوله‌های انسجام بخش (ایدئولوژی)، که از طریق ابعاد گفتمان، در بافت اجتماعی معین به منصفه ظهور رسیده‌اند.

روش پژوهش

روش در این پژوهش تاریخی است. پژوهش تاریخی در حوزه اکتشافی، کیفی است (میرزایی، ۱۳۹۵: ۲۲۵)؛ لذا فرایند انجام پژوهش می‌تواند منعطف و متفاوت باشد. در پژوهش تاریخی لازم است محقق بتواند واقعیت‌های تاریخی آن‌طور که بودند ببیند؛ به عبارت دیگر، روش تاریخی همدلانه باشد. منابع در این پژوهش دو دسته هستند: منابع دست اول دینی، شامل منابع روایی^۱، و تفاسیر قرآن کریم است؛ و منابع دست دوم دینی و تاریخی، شامل کلیه منابع

۱ کتاب‌های چهارگانه شیعه (کافی، من لایحضره الفقیه، تهذیب و استبصار)، وسائل الشیعه، نهج البلاغه از جمله منابع معتبر دست اول هستند. و کتاب‌های بحار الانوار، الحیاه، میزان الحکمه و جامع الاحادیث الشیعه که روایات کتاب‌های چهارگانه و سایر منابع روایی را با دسته بندی ارائه نموده‌اند نیز منابع دست اول دینی محسوب می‌شوند.

مکتوب است که از منابع دست اول استفاده کرده‌اند. نمونه‌گیری منابع به جهت غنای اطلاعات، به صورت ارادی و از منابع اصلی روایی است و در تفسیر آیات قرآن، تکیه بر نظر مفسران معاصر است.

مبنای تحلیل اطلاعات در این پژوهش، تحلیل گفتمان است. لذا گفتمان کاوی در سیره معصومین مراحل دارد. اول) مشاهده آزاد و مطالعه اجمالی منابع. دوم) پردازش سیره و مشخصه‌های متنی و فرامتنی، و رابطه آن با بافت زبانی (سیاق متنی)، بافت موقعیتی (سیاق مقامی) و بافت کلان اجتماعی. سوم) بافت بینا متنی و تحلیل روابط بینامتنی احادیث با یکدیگر و با قرآن و در صورت لزوم متون تاریخی. چهارم) تعیین گفتمان متن؛ که در آن تحلیل تک تک احادیث به تنهایی راه‌گشا نخواهد بود، بلکه باید آنها را در ساختار معین، گفتمان کاوی نمود (شکرانی و همکاران ۱۳۸۹: ۸۸).

برای تحلیل گفتمان تقسیم کار خانگی در سیره معصومین، از روش شناختی-اجتماعی «ون دایک» با این محورها استفاده می‌شود: الف) تحلیل اجتماعی، در دو سطح، بافت موضعی و بافت عام ب) تحلیل شناخت اجتماعی، شامل ارزش‌های اجتماعی- فرهنگی، ایدئولوژی (مانند نژادپرستی، جنسیت‌گرایی و ...)، نظام‌های نگرش و دانش اجتماعی- فرهنگی (قجری، ۱۸۲). ج) گفتمان، شامل ساختار متن (واژه‌ها و ترتیب آنها و ...)، ساختار معنا (رابطه گزاره‌ها، مصداق‌ها، چه کسی و در چه مورد؟ و ...)، سبک (برحسب گروه مانند زنان در مقابل مردان، بر حسب فرهنگ مانند جاهلی در مقابل اسلامی)، و رتوریک (اقناعی). البته هر گفتمانی جنبه رتوریکی ندارد.

یافته‌های پژوهش

با ظهور اسلام تغییرات اساسی در شیوه زندگی مردم بوجود آمد که می‌توان آن را از نظر تاریخی، دو مقطع متمایز دانست. ما تنها هنگامی ماهیت متمایز تقسیم کار خانگی در سیره معصومین را درک می‌کنیم که بتوانیم آن را با گذشته مقایسه کنیم. لذا سؤال اصلی آن است که تقسیم کار خانگی در سیره معصومین چگونه بود؟ و سؤال تطبیقی آن است که این تقسیم کار، با جامعه قبل از اسلام چه تفاوتی دارد؟ و بافت اجتماعی چه نقشی در این زمینه داشت؟. یافته‌های پژوهش در پاسخ به این پرسش‌ها، پیرامون تقسیم کار خانگی در سیره معصومین به ترتیب ارائه می‌شود.

بافت اجتماعی زمان ظهور اسلام: نظام اجتماعی صدر اسلام قبیله ای بود و در اطاعت افراد قبیله از رئیس خلاصه می شد. این اطاعت منشأ سیاسی نداشت، بلکه برخاسته از روح نژادی و نسبی قبیله بود که در رئیس قبیله تجلی یافته بود (جعفریان: ۱۶۳). در نظام قبیله‌ای رؤسا و سادات قبایل منبع تشریح و قانون گذاری بوده و موضع آنان معیار درستی و نادرستی در میان قبیله شناخته می شد. به همین جهت، در جاهلیت حکمی در مورد خوردنیها وجود نداشت و مرجع حلال و حرام به عرف قبایل باز می گشت (علی، ج ۶: ۲۲۳). در آن نظام اجتماعی، قانون گذاری خاصی برای رفع اختلاف ها نبود، بلکه عرب برای خود حاکمانی داشت که در امور خویش به آنها مراجعه می کرد؛ به همین دلیل بود که هر قبیله حاکم ویژه خود را داشت (جعفریان: ۱۹۷). اکثریت ساکنان جزیره العرب، در بادیه زندگی می کردند. محل زندگی در بادیه، خشن و معاش آنها سنگین و اخلاق آنها تند بود. مناطقی چون مدینه و طائف و مکه به دلیل داشتن منابع آب و تجارت، به صورت شهر درآمدند، ولی فرهنگ قبیله ای بر آنها حاکم بود. نزاع میان قبایل به صورت یک سنت جاری در میان عرب بود. تربیت قبیله‌ای عرب اقتضا داشت که خیانت را نپذیرد و نقض بیعت نکند، چه این پیمان، مبنای درستی داشته باشد یا نداشته باشد (جعفریان: ۱۶۳). اعراب چیزی جز قدرت و زور را نمی شناختند و جز در برابر آن خضوع نمی کردند و بر همین پایه، حق را تعیین کرده و عدالت را بر همان اساس قرار می دادند (علی، ج ۴: ۲۹۶). در آن فرهنگ حق زن، دختر و فرزند و مرد ضعیف غصب می شد؛ چون آنها قدرت جنگیدن نداشتند، ولی مرد قوی می توانست بجنگند (همان، ج ۵: ۶۰۹). در این نکته که عرب مکه و آنها که خود را از نسل عدنان می دانند، وابسته به حضرت اسماعیل (علیه السلام) بوده و سالهای سال در شعر و غیر آن بر این مطلب تکیه کرده و بدان افتخار می نموده‌اند، شکی وجود ندارد (جعفریان: ۱۸۴).

جنسیت و تقسیم کار خانگی: جایگاه و نقش زن و مرد در کار خانگی از بحث های جدی تقسیم کار خانگی است. در این قسمت این جایگاه و نقش به اختصار بیان می شود.

- **جنسیت و تقسیم کار خانگی قبل از اسلام:** در زندگی قبیلگی زنان و مردان، سختی بسیار داشتند، ولی زنان به دلیل فرزندآوری مداوم و کار خانگی و کمک در اقتصاد خانواده، سختی مضاعفی را تحمل می کردند، فقط زنان اشراف در شهرها با داشتن برده زندگی آسوده تری داشتند. زنان در بادیه نسبت به مردان بیشتر کار می کردند؛ آنان ملزم بودند غذا آماده کنند، شیر بدوشند، لباس ها را بشویند، پشم و کرک های زده شده را بریسند، مراقب فرزندان باشند

و وسایل آتش را فراهم کنند و سایر موارد از کارهایی که مردان آنها را انجام نمی‌دادند، انجام دهند؛ چون این گونه کارها را زنانه می‌دانستند و و شایسته نبود مردان به آنها اقدام کنند (علی، ج ۴: ۶۱۶). به علاوه افتخار به تعداد فرزندان پسر و پشتوانه امنیتی و اقتصادی بودن آنان باعث می‌شد زنان مکرر فرزند آوری کنند و هم چنین خانه به دوشی و جا به جایی مکرر و جمع و پهن کردن وسایل و کمک در حشم داری مانند دادن علوفه و دوشیدن شیر و تولید فراورده‌های آن و ... و عصبی مزاج بودن مردان همگی بار مضاعفی بر دوش زنان بود و این موضوع برای مردان اهمیتی نداشت.

- جنسیت و تقسیم کار خانگی در سیره معصومین: در پاسخ به این سؤال که در سیره معصومین، چه تحولی در تقسیم کار خانگی ایجاد شد؟ یافته‌های پژوهش بیانگر چند نکته است:

الف) توجه به مشابه نبودن وظایف زن و مرد: در اندیشه دینی، دامنه قانون گذاری در بعد فردی و اجتماعی با تکیه بر پیوند دنیا و آخرت و همچنین نیازهای واقعی انسان و در جهت کمال نهایی اوست. این نوع قانون گذاری پیچیده است و دین به کمک عقل و خرد جمعی می‌آید تا زوایای پنهان را برای آنها آشکار کند. اگرچه کمال نهایی و هدف غایی زن و مرد مشترک است ولی این مشترک بودن، باعث نمی‌شود که وظایف آن دو نیز کاملاً مشابه یکدیگر باشد (زیبایی نژاد: ۶۰). چه بسا عملی که زن را به کمال می‌رساند و او را در مسیر سعادت قرار می‌دهد، دقیقاً همان عملی نباشد که مرد را به کمال می‌رساند. به همین دلیل، در مورد احکام و اوصاف زن گفته شده که، این اوصاف دو قسم است: قسم اول، راجع به اصول زن بودن اوست که هیچ گونه تفاوتی در طی قرون و اعصار در آنها رخ نمی‌دهد مانند لزوم حجاب و عفاف و سایر احکام عبادی و غیر عبادی که مخصوص زن است و هرگز دگرگونی نخواهد شد. قسم دوم، ناظر به کیفیت تربیت و نحوه محیط پرورش زن است که اگر در پرتو تعلیم و تربیت صحیح، پرورش یابند و چون مردان بیاندیشند و تعقل و تدبیر داشته باشند، تمایزی از این جهت با مردها ندارند و اگر گاهی تفاوت یافت شود، همانند تمایزی است که بین خود مردها مشهود است (جوادی آملی: ۳۶). به عنوان مثال چون وظیفه فرزند پروری به تعبیر قرآن کریم، برای زن سخت (أحقاف، آیه: ۱۵) و باعث سستی (لقمان، آیه: ۱۴) در بدن او است (زیرا تمام توان جسمی و روحی خود را به فرزند می‌بخشد)، در سیره معصومین، وی را از الزام حقوقی به کار خانگی و یا فعالیت‌های سخت اجتماعی و درآمد برای خانواده، معاف نموده‌اند. به همین

جهت، کار خانگی زن و نحوه حضور اجتماعی وی، از نظر حقوقی که پایه آن امر و نهی و الزام شرعی است، ناظر به قسم اول یعنی به هدف مندی خلقت است. اما وظایفی که هدف مندی خلقت، اختصاصی هر یک قرار نداده و در زندگی خانوادگی و محیط اجتماعی، مشترک بین زن و مرد است، ناظر به قسم دوم، یعنی به کیفیت تربیت و نحوه محیط پرورش آن، مربوط است. به عنوان مثال، در پخت و پز جنسیت ملاک نیست؛ بسیاری از آشپزان، مرد هستند. ولی توصیه شده، دست پخت زن خوب باشد چون می تواند باعث صمیمیت، گرمی روابط اعضای خانواده، ارضای روحی زن و برداشتن بار از دوش مرد باشد. به همین دلیل در سیره معصومین، کار زن در منزل و کار مرد مازاد بر نفقه واجب، الزام حقوقی ندارد و نحوه حضور اجتماعی آنان نیز متفاوت است.

در حدیث آمده است که حضرت علی (ع) و فاطمه زهرا (س) در مورد تقسیم کار در خانه از پیامبر اسلام (ص) سوال فرمودند، پیامبر گرامی اسلام در پاسخ، وظایف داخل منزل را به فاطمه زهرا (س) و وظایف خارج خانه را به علی (ع) واگذار کرد. فاطمه زهرا (س) فرمود: به جز خداوند کسی نمی داند چقدر خوشحال شدم از اینکه رسول خدا مرا از انجام کارهای بیرون از منزل که نیازمند ظاهر شدن در دید مردان است، معاف نمود (حرّ عاملی، ج ۲۰: ۱۷۲). از سخن حضرت زهرا (س) که فرمود مرا معاف نمود، معلوم می شود که این تقسیم کار به عنوان وظایف حقوقی و الزام شرعی نبوده است. چنانکه حضرت علی (ع) در امور منزل به همسر خویش کمک می کرد و حضرت زهرا (س) در مسائل امامت یاور اجتماعی همسر خویش بوده است.

ب) توجه دادن به ارزش تقسیم کار خانگی: کار خانگی به ظاهر غیر رسمی و بدون مزد است و برای زنان از گذشته تا کنون بوده و هست. اگر چه گیدنز معتقد است، ارتباط زنان با کار خانگی - متمرکز ساختن فعالیت ها بر نگهداری خانه و پرورش کودکان - پیش از صنعتی شدن که خانه یک واحد تولیدی بود چندان مفهومی نداشت (گیدنز، ۱۳۸۱: ۵۵۵)، ولی تمامی خانواده ها مرکز تولید نبودند و برخی زنان فقط به نگهداری خانه و پرورش فرزندان می پرداختند. همچنین پس از صنعتی شدن نیز زنان در بسیاری از خانواده ها، مانند کشاورزان و دامداران علاوه بر همکاری در فعالیت اقتصادی و تولیدی، به کار خانگی می پردازند؛ لذا کار خانگی بدون مزد در بیشتر زمان ها از نظر پنهان مانده است. از طرفی، قابلیت جسمی و روحی زنان برای تربیت فرزندان، نشاط و شادابی آنان برای سرزندگی خانواده و هم چنین جذابیت ظاهری زن برای شوهر، با برداشتن و یا کم کردن بار کارهای دشوار اجتماعی از دوش آنان

حاصل می‌شود و این امر به آرامش همه اعضای خانواده کمک می‌کند. و از طرف دیگر، قابلیت جسمی و روحی مردان برای کارهای دشوار اجتماعی زمینه امنیت و آسایش خانواده را فراهم می‌کند. با توجه به تفاوت نیازهای عاطفی و جنسی زن و مرد و نحوه ارضاء آنها، این الگو باعث می‌شود اختلاط و تبادل عواطف بین زن و مرد نامحرم کاهش یافته، سلامت اخلاقی جامعه بهتر فراهم شود. هم چنین، با افزایش وابستگی متقابل زن و شوهر، از جهت نیازهای عاطفی، جنسی و اقتصادی، به استحکام خانواده کمک می‌کند. به همین جهت، اسلام از نظر ارزش گذاری، این الگو تقسیم کار خانگی بین زن و شوهر را در خدمت مصالح فردی و جمعی می‌داند.

ج) تقسیم کار خانگی: ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر نیازمند تعیین مرزهایی است که به وضوح مناسبات و روابط آنان را تعیین نماید؛ لذا انتظام امور خانواده نیازمند نظام حقوقی و اخلاقی روشن و متناسب است. تأکید یک جانبه بر حقوق بدون تأکید بر اخلاق، روابط خشک و بی روح و توسعه تنازعات را در پی دارد. اگر هر یک از زن و مرد افزون بر وظیفه حقوقی خویش، وارد عرصه وظایف اخلاقی شوند، نشاط و شادابی فضای عاطفی خانواده را دربرمی‌گیرد و محبت بیشتری در خانواده فراهم خواهد شد. تقسیم کار خانگی ابعادی دارد که در این قسمت به آن می‌پردازیم:

اول) تأمین مخارج زندگی: تأمین مخارج اقتصادی زن و خانواده بر عهده مرد است، که در فقه و حقوق بدان نفقه می‌گویند. و شامل مسکن خوراک، پوشاک، نیاز زینتی زن و تحصیل فرزندان به تناسب عرف زمان است. از امام صادق (ع) پرسیدم، زن چه حقوقی بر شوهر دارد؟ حضرت فرمود: گرسنگی او را بر طرف سازد و تنش را بپوشاند و برایش چهره درهم نکشد. ... برای هر یک از آنان قوتش را مشخص کند، خواه بخورد یا ببخشد و اگر خواست صدقه دهد و میوه‌ای که عموم از آن استفاده می‌کنند را به خانواده‌اش بخوراند و فراموش نکند که برای عید افزایشی در خوراک برایشان باشد، به این گونه که برای آنان خوراکی ویژه‌ای که در دیگر ایام سال فراهم نمی‌سازد در اختیارشان قرار دهد (بروجردی، ج ۲۶: ۹۴۱). اگر چه کسب روزی حلال و وظیفه مرد و زن است و از پیامبر اکرم (ص) روایت شده که فرمود: طلب [روزی] حلال بر هر مرد و زن مسلمان واجب است (بروجردی، ج ۲۲: ۸۹). ولی این مسئولیت به عهده مرد گذاشته شده است. از پیامبر اکرم (ص) در این زمینه روایت شده که فرمود: هر کس در راه تأمین نفقه خانواده، پدر و مادرش تلاش کند، همانند مجاهد در راه خداست (بروجردی، ج ۲۲: ۸۵). و یا امام صادق (ع) فرمود: از خوشبختی مرد این است که تأمین کننده و اداره کننده

خانواده‌اش باشد (بروجردی، ج ۲۲: ۸۷). تعبیر مجاهد در راه خدا و خوشبختی نشان از آن است که علاوه بر وظیفه، جنبه اخلاقی و انسانی دارد.

دوم) فرزندپروری: انسان‌ها علاقه دارند که نسل آنها ادامه یابد، این ویژگی یک نیاز طبیعی برای زن و مرد است، هر چند زنان در این زمینه قوی‌تر هستند، زیرا رابطه زیستی مادر و فرزند در دوران بارداری و شیردهی، موجب رابطه عاطفی شدید و عمیق بین آن دو می‌شود که عمیق‌ترین تعلق و رابطه عاطفی است. فرزند خواهی و تربیت فرزند بین زن و شوهر مشترک است، ولی در تقسیم کار خانگی، مسئولیت اصلی آن به عهده زن گذاشته شده است. در سیره معصومین هم تغییر نگرش جنسیتی به فرزند مشاهده می‌شود و هم نقش مادر در تولید و پرورش سرمایه انسانی برجسته شده است. رسول خدا (ص) فرمود: فرزند صالح گلی از گل‌های بهشت است (بروجردی، ج ۲۶: ۶۲۷). و یا وقتی حضرت زین العابدین (ع) به ولادت کودکی بشارت داده می‌شد، نمی‌پرسید دختر است یا پسر، بلکه می‌پرسید آیا سالم و کامل است، اگر صحیح و سالم بود، می‌فرمود: سپاس خدایی را که او را ناقص نیافرید (طبرسی، ج ۱: ۴۳۸). فرزند برای پدر و مادر منفعت دنیایی و آخرتی دارد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: فرزند، جگر گوشه مؤمن است. اگر پیش از او بمیرد شفیع مؤمن می‌گردد و اگر بعد از او بمیرد برای مؤمن استغفار می‌کند و خداوند مؤمن را می‌آمرزد (بروجردی، ج ۲۶: ۶۲۳). خداوند در قرآن کریم از واژه کره به معنی سختی (سوره احقاف، ۲۰) و وهن به معنی سستی (یعنی مادر هر چه دارد به فرزند می‌دهد) (سوره لقمان، ۱۴) برای دوران بارداری مادر استفاده نموده است؛ که نشان از اهمیت و سختی فرزند پروری دارد. لذا از نظر حقوقی، زن از کار در منزل و کار برای منزل معاف شده است.

سوم) محافظت از خانواده: محافظت از خانواده در سیره معصومین، از سوی زن و شوهر مطرح است، ولی مسئولیت اصلی بر عهده مرد است که بیشتر تکیه بر بعد اقتصادی و اخلاقی دارد. محافظت از طرف شوهر با تعبیر ضایع نکردن خانواده از طریق تلاش برای تأمین متعادل مخارج زندگی (بروجردی، ج ۲۶: ۸۶)، در بعد اقتصادی، و غیرت ورزی بجا نسبت به خانواده در بعد اخلاقی بیان شده است (فیض کاشانی، ج ۳: ۱۰۳). و از طرف زن به حفظ اموال خانواده و حفظ عفت خویش در غیاب شوهر، تعبیر شده است (همان: ۸۸).

چهارم) کار کردن و مشارکت در خانه: کار کردن در خانه از نظر حقوقی وظیفه زن نیست ولی از نظر اخلاقی، کار کردن زن و مرد در خانه، مورد تأکید سیره است. در مباحث احکام

خانواده، در مورد کار کردن زن در خانه چنین آمده است: «خدمت کردن در خانه و کارهایی که ربطی به استمتاع (لذت بردن زناشویی) ندارد، مانند نظافت خانه، خیاطی، آشپزی، تمیز کردن لباسها و غیر آن حتی آب دادن به شوهر و مهیا کردن بستر خواب، شوهر حقی بر زن ندارد. اگر چه انجام آن بر زن مستحب است» (وحیدی: ۳۴۶). استحباب بیان کننده وظیفه اخلاقی است. به همین جهت در سیره معصومین علاوه بر جنبه الزامی و دستوری، تکیه بر توصیه‌های اخلاقی و پاداش‌های دنیوی و اخروی نیز شده است. به عبارت دیگر بنای سیره معصومین در خانواده بر اساس اخلاق است. اگر مرد بداند کار کردن زن وظیفه حقوقی نیست ولی از نظر اخلاقی کار می‌کند به زندگی علاقه مند تر می‌شود؛ همچنین اگر زن بداند مرد وظیفه حقوقی بیش از نفقه ندارد ولی از نظر اخلاقی تلاش می‌کند به زندگی امیدوار و علاقه مندتر می‌شود. هم چنین، مشارکت در زندگی خانوادگی به معنی اینکه هر یک از زوجین مسئولیت‌هایی را عادلانه تقبل نمایند و این پذیرش، بخشی از امور مرتبط با همسر را نیز در بر می‌گیرد، نیز در سیره معصومین بیان و عمل شده است. به عنوان مثال خانمی که علاوه بر وظیفه شخصی در زندگی با اظهار علاقه مندی به کار و شغل همسرش، خود را بیگانه با آن نشان نمی‌دهد، مرد را نسبت به اهمیت کارش مطمئن می‌سازد، همچنین مردی که علاوه بر وظایف خارج از منزل، حصار می‌بیند و مسئولیت‌های زن نمی‌بیند و هر گاه نیازی احساس شود مشتاقانه به یاری بر می‌خیزد و بخشی از وظایفی را که به طور مرسوم بر عهده زن است، بردوش می‌گیرد، زن را بیش از پیش به ارزش کارش دلگرم می‌کند. از حضرت علی (ع) روایت شده، روزی رسول خدا (ص) بر ما وارد شد در حالی که فاطمه (س) بر سر دیگ غذا بود و من عدس پاک می‌کردم، فرمود: ای ابوالحسن گفتم بله ای رسول خدا، فرمود: از من بشنو و من جز آنچه پروردگارم بدان فرمان داده است نمی‌گویم، هیچ مردی به همسرش کمک نمی‌کند مگر اینکه در ازای هر موی بدنش برایش عبادت یک سال باشد که روزهایش به روزه و شب‌هایش به نماز شب بگذرد. و خدای متعال ثواب صابران را به او بخشد ... ای علی هر کسی خدمت به خانواده را عار نداند و از آن سر باز نزند، بی حساب وارد بهشت شود. یا علی خدمت به خانواده کفاره گناهان کبیره است و آتش خشم خداوند را خاموش می‌سازد؛ و چنین کسی به پاداش همکاری اش نیکویی‌ها و درجه‌های بهشتی نصیبش خواهد شد. یا علی به خانواده اش خدمت نمی‌کند مگر کسی که به مقام صدیق یا شهید رسیده باشد و یا کسی که خیر دنیا و آخرت را برای او بخواهد (نراقی، ۱۳۸۴، ج ۲: ۱۴۲). همچنین آمده که، روزی رسول خدا (ص) به خانه علی (ع)

وارد شد، ایشان و فاطمه (س) را دید که با کمک یکدیگر با آسیاب دستی گندم آرد می کنند، فرمود: کدام یک خسته ترید؟ علی (ع) گفت: فاطمه خسته تر است، پیامبر (ص) به فاطمه (س) فرمود، دخترم برخیز، فاطمه برخاست و حضرت به جای او نشست و علی (ع) را در آرد کردن گندم کمک کرد (مجلسی ۱۴۰۳، ق، ج ۴۳ : ۵۰). از تأکید در این روایات معلوم می شود زنان در آن دوره زندگی بسیار سختی داشتند و در سیره معصومین سعی شده ضمن حفظ تقسیم کار، آن را بر پایه اخلاقی بنا کنند تا زنان نیز فرصت کافی برای رسیدگی به ابعاد انسانی خود را داشته باشند. از عایشه همسر پیامبر اسلام (ص)، در باره شیوه زندگی خانوادگی آن حضرت سؤال شد، چنین گفته است: رسول خدا (ص) در سرای خود در خدمت خانواده اش بود، لباس خود را پاکیزه می کرد، گوسفندش را می دوشید، جامه خود را وصله می کرد، پای افزار خویش را پینه می زد، خانه را جارو می کرد، شتر را می بست، شتر آب کش را علوفه می داد، با خدمتکارش غذا می خورد و با او آرد خمیر می کرد و کالای خویش را از بازار خود حمل می کرد (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲، ق، ج ۱: ۱۴۶). پیامبر گرامی اسلام (ص) در باره کار اخلاقی زن می فرماید: هر زنی که در خانه همسر خود، به قصد مرتب کردن آن، چیزی را جابجا کند، خداوند به او نظر رحمت افکند و هر که خداوند به او نظر رحمت افکند، عذابش نکند (محمدی ری شهری، ج ۴، ۱۳۷۲: ۲۸۶).

پنجم) ملاحظه توانایی در تقسیم کار: توجه به تفاوت های فردی و توانایی افراد در تقسیم کار خانگی، از نکات مهمی است که در سیره معصومین به آن اشاره شده است. در سیره معصومین، زن و مرد در زندگی زناشویی، نباید انتظار نامعقول و فراتر از وسع یکدیگر داشته باشند که باعث ناسازگاری و عدم مدارا می شود. امیرمؤمنان درباره توجه به توانایی زنان می فرماید: زن گلی بهاری است و پیش کار و متعهد کارهای خانه نیست، پس در هر حال با او مدارا نمایید و به نیکویی با وی معاشرت کنید تا زندگی پاک و مصفا گردد (صدوق، ۱۴۱۰، ق: ۳۶۲). و هم-چنین امیرمؤمنان (ع) به محمدبن حنفیه فرمود: پسر من اگر نیرومندی، بر طاعت حق نیرومند باش و اگر ضعیفی بر گناه ضعیف باش، و اگر می توانی کاری کنی که زن جز به اندازه کار خود، شغلی نداشته باشد چنین کن، که برای حفظ جمالش بهتر، و برای جانش راحت تر، و آسانتر است، که زن گل است، و قهرمان نیست، و به هر حال با وی مدارا کن، و خوب مصاحبت کن تا عیش تو صافی و خوب و غیر مکدر باشد (طبرسی، ج ۱: ۴۱۷). اینکه در روایت می فرماید، اگر می توانی کاری کنی که زن جز به اندازه کار خود، شغلی نداشته باشد، نشان از یک الگوی

اخلاقی در تقسیم کار خانگی است. همچنین از پیامبر (ص) نقل شده، هر زنی که همسرش را در مورد هزینه زندگی به بیش از حد توانش وادارد خداوند هیچ‌گونه عمل او را نمی‌پذیرد (طبرسی، ج ۱: ۳۸۵). در زندگی زناشویی زن و مرد باید ملاحظه توانایی یکدیگر را داشته باشند و انتظار نامعقول و فراتر از وسع یکدیگر نداشته باشند که در صورت عدم رعایت این امر، زن و مرد به عدم مدارا و ناسازگاری کشیده می‌شوند (دلشادتهرانی، ج ۴، ۱۳۸۳: ۳۰۰).

تکیه بر اخلاق در سیره معصومین، بستری را فراهم می‌کند که زن و شوهر به توانایی یکدیگر در حالت عادی یا شرایط ویژه توجه کنند و به یاری یکدیگر بشتابند. شرایط ویژه زن مانند داشتن فرزند کوچک، فرزندان چند قلو، شاغل بودن بیرون از منزل، مهمانی زیاد، بیماری و وضعیت جسمانی، وضعیت نامناسب مسکن و ... و وضعیت ویژه مرد مانند داشتن شغل سخت، چند شغله بودن، بیماری و نقص عضو، از دست دادن شغل و یا ورشکستگی و ... خواهد بود.

تقسیم کار خانگی و مشارکت اجتماعی زنان: تقسیم کار خانگی و انجام وظایف حقوقی و اخلاقی مرد و زن در خانواده و حضور جدی آنان در عرصه‌های اجتماعی از جمله مباحث مهمی است که در اینجا به اختصار بیان می‌شود.

مشارکت اجتماعی زنان قبل از اسلام: در فرهنگ جاهلی آنچه حریم بین زن و مرد ایجاد شد، در شهرها بود. در بادیه زن با مرد در کارها مشارکت داشت و با وی نشست و برخاست می‌کرد، حتی اگر مرد غریبه بود. زیرا بادیه محیطی است که از شک و شبهه به دور بود. پسران و دختران با هم بازی می‌کردند و با هم به جوانی می‌رسیدند؛ لذا حدود قیودی که بین زن و مرد فاصله ایجاد کند، وجود نداشت (علی، ج ۴: ۶۱۷). هر چند در مجموع، زن مربوط به خانه، و مرد، آقا و رئیس خانه و اختیار دار آن، و قیم برای تربیت فرزندان بود و زن تابع شوهر، و اطاعت از شوهر الزامی بود. در فرهنگ عرب‌های زمان ظهور اسلام، یکی از مهمترین کارکردهای ازدواج، فرزندآوری به ویژه فرزندان پسر بود. به همین دلیل بخش عمده زندگی زن به باروری و رسیدگی به فرزندان می‌گذشت و کارهای خانگی نیز به عهده وی بود و در اقتصاد خانواده مشارکت داشت. البته در جنگ‌ها برای آب رسانی و یا کمک به زخمی‌ها مشارکت داشتند ولی چون آنان را صاحب رأی و نظر نمی‌دانستند و پذیرفتن رأی زنان را از حماقت می‌دانستند (علی، ج ۴: ۶۱۸)، در تصمیم‌گیری‌ها حضور نداشتند. جواد علی می‌گوید: در هیچ یک از کتاب‌های تاریخی ندیدم که زنان در جاهلیت نزدیک اسلام، ریاست قبایل را داشته باشند (همان: ۶۱۶).

مشارکت اجتماعی زنان در سیره معصومین: در تمامی جوامع حضور اجتماعی مردان به عنوان تأمین کننده مخارج اقتصادی خانواده و پیشبرد اهداف جامعه، پذیرفته شده است؛ آنچه مورد بحث و مناقشه واقع شده، حضور فیزیکی و میزان نقش آفرینی زنان در جامعه است. در پاسخ به این سؤال که در سیره معصومین چه تحولی نسبت به حضور اجتماعی زن رخ داد؟، یافته های پژوهش به چند نکته اشاره دارد:

الف) توزیع قدرت و حضور اجتماعی زنان: در سیره معصومین، تقسیم کار خانگی و انجام وظایف حقوقی و اخلاقی مرد و زن در خانواده مانع حضور جدی آنان در عرصه های اجتماعی نیست. سیره معصومین در این زمینه را می توان با نگاه کارکردی (نه جبرگرایانه) تبیین نمود؛ زیرا تفاوت های جنسیتی در نظر گرفته شده، نوعی تقسیم کار و مسئولیت جهت رسیدن به هدف های خلقت است. تصمیم گیری درون خانه، در ارتباط با امکاناتی که در اختیار زن است، مربوط به خانم است؛ عبد الله بن عطا گوید، به خانه حضرت باقر (ع) رفتم و در منزل آن حضرت، بالش و پستی و غذاهای خوب و برهم چیده دیدم، از امام پرسیدم اینها چیست؟ فرمود: متاع زنان و زندگی آنهاست. همچنین از آن حضرت نقل شده، جمعی به خانه حضرت حسین (ع) آمدند و گفتند یا ابن رسول الله (ص) در خانه شما چیزهایی به چشم می خورد که در خور شأن (زاهدانه) شما نیست و مراد آنها فرش ها و پستی های قیمتی بود؛ امام (ع) فرمود: ما مهر زنان خود را می پردازیم و آنها از مهر خود اثاث خانه و آنچه بخواهند می خرند و چیزی از اینها مربوط به ما نیست (کلینی، ج ۱۳، ۴۲۹ق: ۱۰۱).

براساس آیه ۳۴ سوره نساء^۱، مدیریت کلی خانواده بر عهده مرد قرار داده شده است. در تفسیر این آیه آمده است که روح قوام بودن مرد، وظیفه است و این چنین نیست که قرآن به زن بگوید تو تحت فرمان مرد هستی، بلکه به مرد می گوید تو سرپرستی زن و منزل را عهده دار هستی. ... زن اسیر مرد نیست که بتواند به دلخواه خود عمل کند. بنابر این، اگر اسلام به زن دستور تمکین می دهد و به مرد در مقابل دستور سرپرستی می دهد، تنها بیان وظیفه و جریان امور خانواده است و هیچ یک معیار فضیلت یا نقص نیست. در زندگی خانوادگی قوام بودن به معنی تسخیر یک جانبه نیست بلکه مدیریت کلی زندگی است و این مدیریت یک مسئولیت

۱ مردان، کارگزاران و تدبیرکنندگان زندگی زنان هستند، به خاطر آن که خدا مردان را (از جهت توان جسمی، تحمل مشکلات و قدرت روحی) بر زنان برتری داده و به خاطر آنکه از اموالشان هزینه زندگی زنان را (به عنوان حقی واجب) می پردازند ...

اجرایی است و فخر معنوی نیست (جوادی آملی، ۳۹۲). از این نظر، تفاوتها برای آن است که، گروهی، گروه دیگر را به صورت متقابل و دو جانبه تسخیر کنند و هیچ کسی حق ندارد افراد دیگر را تحت تسخیر خود در آورد اما خودش مسخر نشود. کسی نمی‌تواند به دلیل قدرت و امکانات استعدادی یا غیر استعدادی از دیگران، تسخیر یک جانبه طلب کند؛ بلکه باید تسخیر متقابل و خدمت متقابل باشد تا نظام، به احسن وجه اداره شود (جوادی آملی: ۳۹۰). هم چنین معنای قیم بودن شوهر نسبت به زن یک امر حقوقی تخلف یا اختلاف ناپذیر نیست، زیرا در صورتی که زن استقلال اقتصادی داشته باشد و صلاحیت اداره و تدبیر و نگرهبانی و نگهداری حیثیت خویش را واجد باشد، می‌تواند در متن عقد نکاح، محدوده آن قیمومیت را با توافق طرفین تعیین نموده که به هیچ وجه به استقلال و کیان وجودی او آسیبی نرسد، البته تمکین غریزی غیر از قیمومیت خانگی است (جوادی آملی: ۳۴۴). زیرا تمکین، ناشی از نیاز طبیعی فطری و غریزی است و شرط بردار نیست.

به طور کلی، در سیره معصومین موارد و مصادیق مدیریت مرد نیز بیان شده است؛ مانند خروج زن از منزل، هزینه از اموال خانواده، رفت و آمد به خانه و تصمیم نهایی در باره مسائل خانواده به عهد مرد دانسته شده است. و این حق تصمیم برای مرد، مطلق نیست^۱. البته اگر شوهر با صراحت خروج زن را اجازه داده باشد، خروج از منزل مانعی ندارد. در موارد غیر ضروری، خارج شدن زن از منزل را منوط به توافق دو طرف و شرط ضمن عقد کرده تا هم حقوق زنانی را که استقلال اقتصادی دارند و صلاحیت اداره و تدبیر و نگرهبانی و نگهداری حیثیت خویش را واجد هستند حفظ شود، و هم حق تمکین زن برای ارضاء نیاز عاطفی و جنسی شوهر و حق محافظت از حریم و حرمت زن و جایگاه مدیریتی خانواده برای شوهر، محفوظ بماند.

۱ به عنوان مثال در منابع فقهی برای خارج شدن زن از منزل، مواردی را مطرح کرده اند که اجازه شوهر لازم نیست: (۱) کسب معارف اعتقادی و احکام شرعی مورد نیاز (۲) معالجه بیماری که در منزل قابل درمان نیست (۳) جلوگیری از ضررهای جانی، مالی و آبرویی (۴) انجام واجب‌های عینی مانند حج، شرکت در انتخابات، نجات شخصی محترم (۵) ماندن در منزل توأم با عسر و حرج و سختی باشد (۶) برای تظلم و دادخواهی (۷) تأمین معاش چنانچه شوهر قادر به دادن نفقه نیست یا از آن سرپیچی می‌کند (۸) در صورتی که ماندن در منزل حرام باشد، مانند غصبی بودن (۹) با شرط ضمن عقد محدودیت را رفع و یا شرط کرده که شوهر اجازه خروج را بدهد، مانند انتخاب مسکن، اشتغال در مشاغل اداری و ... (وحیدی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۸۸).

ب) **فرزندپروری، حضور اجتماعی دائمی زن:** پیشرفت یک جامعه به سرمایه انسانی آن بستگی دارد و این سرمایه در خانواده شکل می گیرد و محور آن زن و مادر است. فرزندپروری از این جهت، بزرگترین مسئولیت و خدمتی اجتماعی است که زن به عنوان مادر بر عهده دارد. خداوند در پاسخ به نذر همسر عمران^۱ که پسر می خواست، حضرت مریم را عطا می کند. با تولد حضرت مریم، هم نگرش به حضور اجتماعی زن را اصلاح کرد (حضور حضرت مریم در معبد علیرغم فرهنگ حاکم آن زمان) و هم جایگاه مادر را در سرمایه انسانی بیان نمود؛ زیرا حضرت عیسی (ع) در نوزادی به مقام نبوت می رسد و این مقام قراردادی نیست، بلکه ظرفیت وجودی است که قبل از تولد، مادر ایجاد نموده است. هم چنین در سوره کوثر از زن (فاطمه زهرا سلام الله علیها) به عنوان خیر کثیر یاد شده است، و امامت که قرار است عینیت بخش آرمان پیامبر خاتم در آخر زمان باشد، از همین خیر کثیر اعلام شده است. لذا پیامبران، اندیشمندان، مخترعان، مکتشفان و همه انسان های متعالی که در تاریخ آمده اند، محصول زحمت مادران هستند که این خود، حضور اجتماعی آنان در تاریخ است.

ج) **حضور اجتماعی زن فراتر از حضور فیزیکی:** حضور اجتماعی زن فقط حضور فیزیکی نیست؛ بلکه حضور فکر و اندیشه و هم چنین عواطف انسانی وی نیز هست، که مهمترین آن تولید و پرورش سرمایه انسانی برای جامعه است. به همین دلیل زنان همیشه با حضور و نقش آفرینی فرزندان شایسته، در جامعه حضور داشته و خواهند داشت. البته حضور فیزیکی زنان با رعایت حریم و حفظ حرمت انسانی آنان، در بسیاری از مواقع لازم و ضروری است، که از آن به عنوان واجب کفایی یاد می شود. این حضور در صورتی مطلوب است که، هم خانواده و پرورش سرمایه انسانی مورد غفلت واقع نشود و هم مانور بر روی زیبایی های جسمانی وی نباشد؛ در غیر این صورت، رقابتی سخت و سنگین جامعه را درگیر می کند که باعث مقایسه های نابجا و تزلزل خانواده و در نهایت انحطاط جامعه می شود. به همین جهت، در سیره معصومین با تکیه بر هدف مندی خلقت و شکوفایی استعدادهای انسانی، اولویت بندی خاصی مطرح می شود که هم بقاء، نشاط و شادابی خانواده و تربیت سرمایه انسانی در آن حفظ شود و هم نیازهای محیط اجتماعی طوری برآورده گردد که ارزش های انسانی و اخلاقی محفوظ بماند. همان طور که در روایت آمده بود، «اگر می توانی کاری کنی که زن جز به اندازه کار خود، شغلی نداشته باشد

۲ گفته بود، «خداوند آنچه را در رحم دارم برای تو نذر کردم که محرر (پسر و آزاد برای خدمت خانه تو) باشد، آن را از من بپذیر که تو شنوا و دانایی» (آل عمران، ۳۵)

چنین کن، که برای حفظ جمالش بهتر، و برای جانش راحت‌تر، و آسانتر است، که زن گل است، و قهرمان نیست»؛ جمله شرطیه نشان از توصیه دارد که نوعی اولویت بندی در تقسیم کار برای حضور اجتماعی است. زیرا برخی شغل‌ها برای زنان واجب کفایی اند و لازم است به اندازه نیاز حضور اجتماعی داشته باشند.

د) توجه به حضور تأثیرگذار زنان در جامعه: از نظر اسلام، زنان نقش حساسی در بنای جامعه اسلامی دارند و اسلام زن را تا حدی ارتقاء می‌دهد که بتواند مقام انسانی خود را در جامعه باز یابد و از حد شیء بودن بیرون بیاید و متناسب با چنین رشدی می‌تواند در ساختمان حکومت اسلامی مسئولیت‌هایی به عهده بگیرد (زیبایی نژاد ۱۸۴). در تفسیر آیه نوزده سوره نساء^۱ آمده است: در بخش مسائل اجتماعی، قرآن ما را متوجه کرده و می‌فرماید، با زنها معاشرت نیک داشته باشید و زن را چون مرد در مجامع تان راه دهید و اگر خوش آیندتان نیست که آنها در مجامع تان شرکت کنند، این کار ناخوشایند را بکنید، چرا که ممکن است خیر فراوانی در این کار باشد و شما ندانید. معاشرت، اختصاصی به مسائل خانوادگی ندارد. گاهی تعصب جاهلی یا رواج فرهنگ ناصواب و یا تعصب خام و مانند آن، به مرد این چنین تلقین می‌کند که نمی‌توانی با زن در یک مؤسسه همکاری کنی یا زن در جامعه نمی‌تواند حضور فعال داشته باشد؛ قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید، این‌گونه تعصبات و رسومات جاهلی را که فرهنگ باطل است، بزدا کنید. اگر خوشتان نمی‌آید که آنها مانند شما سمتی داشته باشند و در جامعه و صحنه سیاست و صحنه درمان و پزشکی و صحنه فرهنگ و تدریس حضور داشته باشند، این امر را تحمل کنید شاید خیر فراوانی در این کار باشد و شما نمی‌دانید (جوادی آملی ۳۹۴).

حضور اجتماعی زنان در صدر اسلام: در سیره معصومین، علیرغم محدودیت بافت اجتماعی آن زمان، زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی حضور جدی داشتند که در این قسمت به آن‌ها اشاره می‌شود.

الف) بیعت با پیامبر: یکی از عرصه‌هایی که از ابتدای دعوت پیامبر اسلام - که زنان هیچ جایگاه اجتماعی نداشتند- بدان توجه شد، حضور زنان در تعیین سرنوشت سیاسی جامعه بود. از جمله آن، حق رأی زنان با عنوان بیعت است که به نمونه‌هایی در تاریخ اشاره شده است. در

۱ یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا

اولین پیمان عقبه، کاروان حج مدینه که بالغ بر پانصد نفر بودند، هفتاد و سه نفر مسلمان که دو تن از آنها زن بودند، با پیامبر اسلام بیعت کردند (سبحانی، ۱۳۶۳: ۴۰۷). پس از فتح مکه، پیامبر اسلام، برای اولین بار به طور رسمی از زنان برای انجام وظایف زیر بیعت گرفت: برای خدا شریک قرار ندهند، خیانت نکنند و گرد فحشا نگردند، فرزندان خود را نکشند و فرزندان که مربوط به دیگران است به شوهران خود نسبت ندهند، در کارهای خیر و نیک با پیامبر مخالفت ننمایند. تشریفات بیعت چنین بود، پیامبر دستور داد ظرفی پر از آب آوردند و مقداری عطر در آن ریخت، سپس دست خود را در میان آن گذارد و آیه ای را که حاوی مواد یاد شده بود تلاوت نمود، آنگاه از جای خود برخاست و به زنان چنین فرمود، کسانی که حاضرند با شرایط یاد شده با من بیعت کنند، دست در میان ظرف کرده و رسماً فرمانبرداری خود را به مواد مذکور اعلام دارند (سبحانی، ج ۲: ۳۴۵).

ب) همراهی فکری و اقتصادی: از جمله زنانی که اندیشه و اموال خود را در مسیر یک تمدن بزرگ قرار داد، حضرت خدیجه (س) است. از عایشه نقل شده: ... روزی رسول گرامی در حالی که خانه را ترک می‌گفت از خدیجه تعریف نمود؛ من نتوانستم خودم را کنترل کنم، با کمال جرأت گفتم: وی پیرزنی بیش نبود و خدا بهتر از آن را نصیب شما کرده است. گفتار من اثر بدی در رسول خدا گذارد، آثار خشم و غضب در پیشانی او ظاهر گردید، فرمود: چنین نیست ... بهتر از آن نصیب من نگشته او هنگامی به من ایمان آورد که سراسر مردم در کفر و شرک به سر می‌بردند، او اموال و ثروت خود را در سخت‌ترین مواقع در اختیار من گذارد و خدا از او فرزندان نصیب نمود که به دیگر همسرانم نداد (سبحانی، ج ۱: ۲۴۰).

ج) مشارکت در جهاد و دفاع: حضور زنان در پشت صحنه های جهاد و هم چنین دفاع شجاعانه در صحنه های نبرد و تشویق همسران و فرزندان در جهاد کم نظیر است. یکی از زنانی که در جهاد، به پیامبر و یاران کمک می‌کرد، ام عماره است. وی در جنگ احد پس از گریختن مسلمانان، از پیامبر دفاع می‌کند و زخم پسرش را می‌بندد و تشویق به جهاد می‌نماید؛ پیامبر فرمودند چه کسی مثل تو ای ام عماره طاقت دارد (همان، ج ۱: ۱۹۵). در جنگ یمامه نیز با این که دستش قطع می‌شود می‌جنگد تا کشته شدن مسیلمه کذاب را می‌بیند و سجده شکر به جا می‌آورد (واقعی، ج ۱، ۱۳۶۳: ۱۹۴). نمونه دیگر، سمیرا دختر قیس بود همراه پیامبر به احد آمده بود، دو پسرش کشته شدند و چون خبر مرگ آن دو را به او دادند گفت ای رسول خدا هر مصیبتی در قبال سلامتی تو ناچیز و قابل تحمل است... (همان، ج ۱: ۲۱۱). همراه رسول خدا

بیست بانوی مسلمان هم به خیبر آمده بودند (همان، ج ۲: ۵۲۲). زنان دیگری نیز در تاریخ ذکر شده‌اند (همان، ج ۳: ۶۹۰).

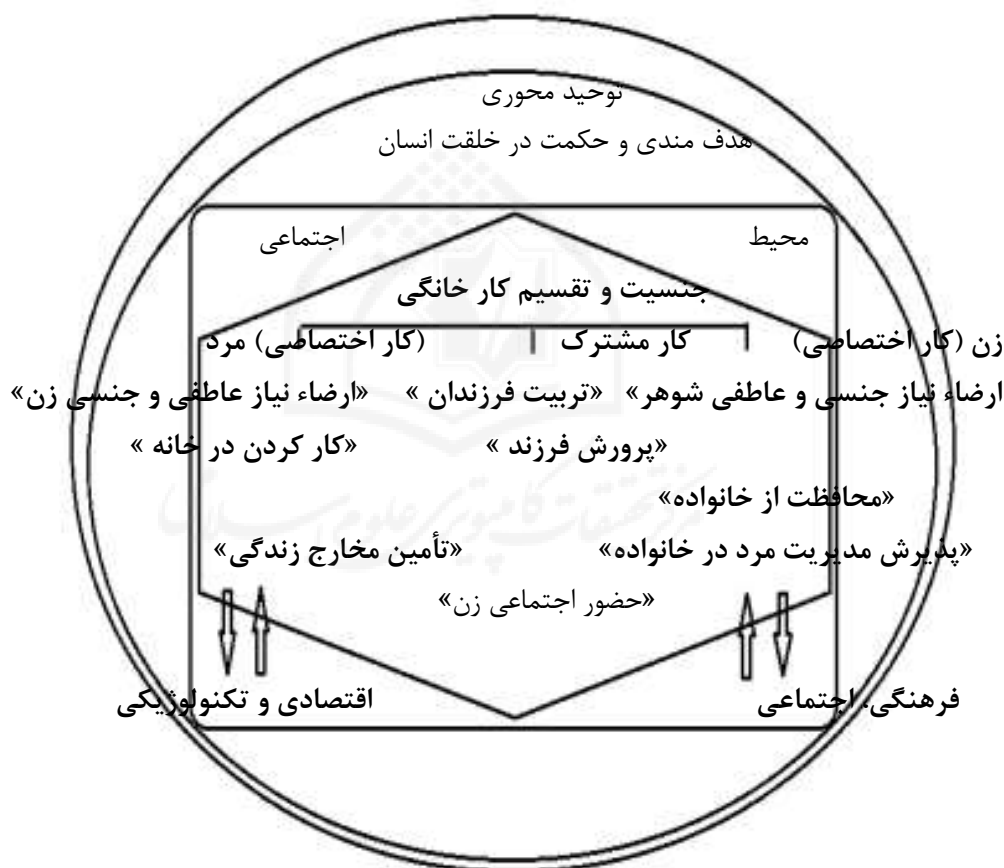
(د) دفاع از ارزش‌ها: هوشیاری و دقت زنان نسبت به آنچه در جامعه می‌گذرد و حضور به موقع در عرصه‌های مختلف از جمله مواردی است که در زمان معصومین اتفاق افتاده است. و این بدین معنی است که ضمن تأکید بر حضور زن در زندگی خانوادگی و انجام وظیفه خطیر فرزندپروری و سرمایه‌انسانی، بصیرت اجتماعی نیز لازم است و برای دفاع از ارزش‌ها، علاوه بر حضور فکری، حضور فیزیکی نیز ممکن است ضروری باشد. چنانچه در مورد دفاع حضرت زهرا (س) از فدک آمده است: اگر فاطمه (س) نزد خلیفه وقت رفت و از او حق خود را مطالبه کرد، نه از آن جهت بود که نان خورش برای خود و فرزندانش می‌خواست. مشکل او این بود که این اجتهاد مقابل نص، نخستین و آخرین اجتهاد نیست. فردا اجتهاد دیگری پیش می‌آید (شهیدی، ۱۳۷۳: ۱۱۹). چنانچه حضرت زهرا (س) در خطبه‌ای که در مسجد خواندند، به صراحت اشاره کردند: هنوز دو روزی از مرگ پیغمبرتان نگذشته و سوز سینه‌ها خاموش نگشته، آنچه نبایست کردید و آنچه از آن‌تان نبود، بردید و بدعتی بزرگ پدید آوردید (شهیدی: ۱۳۱).

(ه) زنان در عاشورا: همسر عبدالله بن عمیر، پس از شهادت شوهرش، خود را به وی رساند، ... و می‌گفت، بهشت بر تو گوارا باد. غلام شمر با عمود سر این زن را خرد کرد، وی نخستین زنی بود که در میان یاران حسین (ع) شهید شد. مادر وهب و همچنین همسر جناده از زمره زنان شیر دل کربلا بودند (شمس‌الدین، ۱۳۵۱: ۳۷۷). متأسفانه، تاریخ بسیاری از قهرمانی‌های زنان را ثبت نکرده؛ زیرا مورخان فقط مطالبی که مورد توجه شان بود، ثبت می‌کردند (همان: ۳۸۰).

(و) حضرت زینب (س) و مدیریت بحران پس از عاشورا: پس از واقعه عاشورا حضرت سجاد بیمار بود و مدیریت حفظ جان زنان و فرزندان و آرامش دادن به آنها به عهده حضرت زینب بود. حضرت زینب در بازار کوفه با سخنان خود درسی فراموش نشدنی به مردم این شهر داد (شهیدی: ۲۵۱). در دمشق زینب (س) نگذاشت یزید، شهید این پیروزی را بمکد. در سخنان کوتاه به مجلسیان فهماند، چه کسی بر آنان حکومت می‌کند و به نام که، حکومت می‌کند و اینان که زنجیر به گردن نهاده پیش تخت او ایستاده‌اند، چه کسانی (شهیدی: ۲۵۶).

چند وجهی بودن تقسیم کار خانگی: تقسیم کار خانگی چند وجهی است. از یک طرف، توحید محوری، هدف مندی و حکمت در خلقت انسان و مأموریت متفاوت و مکمل هر یک از زن و مرد در زندگی خانوادگی و نحوه حضور آنان در جامعه، از طرف دیگر، محیط فرهنگی،

اجتماعی، اقتصادی و تکنولوژیکی در هر زمان، بر تقسیم کار خانگی اثرگذار هستند. برخی وظایف زن و مرد ناشی از جنبه های فطری و غریزی است که الزامی است، اگر چه نحوه ارضاء آنها اکتسابی است، مانند ارضاء نیاز عاطفی و جنسی، حفظ عفت، غیرت ورزی و ... و برخی وظایف دیگر، اکتسابی و به نحوه تربیت و نیاز زمان بستگی دارد، مانند کار در خانه و تربیت فرزندان و ...، که از وظایف مشترک آنها است. حضور اجتماعی زن نیز هم تابعی از توحیدمحوری و هدف مندی خلقت است و هم شرایط اجتماعی در آن دخالت دارد؛ و استحکام خانواده، پرورش سرمایه انسانی و حفظ حرمت و حریم زن در آن مهم است. آنچه در نمودار زیر ملاحظه می شود، چند وجهی بودن تقسیم کار خانگی و رابطه متقابل آن با مبانی و جامعه است.



نمودار ۱: تقسیم کار خانگی و رابطه آن با مبانی و محیط اجتماعی

تحلیل گفتمان تقسیم کار خانگی در سیره معصومین (ع) و مقایسه با قبل از اسلام همان طور که در بحث نظری و روش تحقیق مطرح شد، این تحلیل بر مبنای رویکرد شناختی-اجتماعی «ون دایک» با سه سطح، تحلیل اجتماعی، شناخت اجتماعی و گفتمان می

باشد. برای سهولت مقایسه و تحلیل در این سطوح و ابعاد آن، دو دوره قبل و بعد از اسلام در یک جدول ارائه می‌شود.

سطوح تحلیل	ابعاد سطوح ها	دوره ها	ویژگی‌های بارز دوره‌ها
تحلیل اجتماعی	بافت عام	اسلام	قبل از جامعه بسته با ساختار قبیله‌ای، اشرافی و طبقاتی و قبیله‌ای در مناطق شهری، برتری نژادی عرب نسبت به دیگران، نبودن حاکمیت سیاسی واحد، تشتت فرهنگی
		اسلام	پیوند بین قبایل و تشکیل امت اسلامی، نفی نژادپرستی، حاکمیت سیاسی واحد، تلاش بر وحدت فرهنگی در جامعه اسلامی
	بافت موضعی	اسلام	(مشارکان: پدران، مادران و فرزندان) حاکمیت مطلق مردان بر زنان و قبل از فرزندان و ندادن حق اظهار نظر به زنان و دختران؛ تقسیم کار خانگی اسلام جنسیتی الزامی به زنانه (کارهای منزل، فراهم کردن وسایل آتش، دوشیدن احشام و رسیدن پشم و کرک) و مردانه (کسب درآمد و جنگیدن)، زنان اشراف کنیز داشتند و کار نمی‌کردند.
شناخت اجتماعی		اسلام	(مشارکان: پدران، مادران و فرزندان) نفی حاکمیت مطلق مردان و دادن اسلام مدیریت کلی خانواده به آنان، نفی تقسیم کار خانگی جنسیتی الزامی به زنانه و مردان و مشارکت در کار خانگی، اهمیت دادن به نظر و نیازهای زن و دختران در خانواده.
	ارزش های اجتماعی فرهنگی	اسلام	. ارزش‌های مثبت مؤثر بر تقسیم کار خانگی: جنسیت مرد و پسر، قدرت و شجاعت، آزادی مردان، مطیع محض بودن زنان، کار کردن اجباری زنان قبل از منزل، فرزندآوری و پرورش فرزند به ویژه پسرزایی
		اسلام	. ارزش‌های منفی مؤثر بر تقسیم کار خانگی: زشت و ممنوع دانستن کار مرد در خانه، نازایی و دخترزایی زن، مشورت و مشارکت دادن زنان در امور قبیله
		اسلام	. ارزش‌های مثبت مؤثر در تقسیم کار خانگی: برابری جنسیتی، تقسیم کار اخلاقی و مشارکت در کارخانگی، ارزشمند دانستن کار در خانه برای مردان و زنان، توجه به توان مندی هر یک، حفظ حرمت والدین.
			. ارزش‌های منفی مؤثر در تقسیم کار خانگی: اجبار زنان به کار خانگی (به جز ارضاء نیازهای جنسی و عاطفی شوهر)، ننگ دانستن کار در خانه،

<p>خواسته های مزاد بر توان مندی هر یک</p>	
<p>قبل از نژادپرستانه (عربی و قبیلگی و عشیرگی)، جنسیت گرای مردانه (زن مطیع ایدئولوژی اسلام محض مرد)، متشتت فرهنگی (حاصل از اشرافیت و رؤسای قبایل)، متکی بر زور و قدرت (حق نداشتن زن، دختر و مردان ضعیف)</p>	
<p>الهی، پذیرش تفاوت های طبیعی زن و مرد، برابری خواه و اخلاق مدار با اسلام توجه به توان مندی زن و مرد، منسجم و همه جانبه (به جایگاه، نقش و نیازهای فردی، خانوادگی و اجتماعی زن و مرد توجه دارد)</p>	
<p>قبل از نگرش مثبت به: زور، قدرت، ثروت و جنسیت مرد (هم چنین پسرخواهی) اسلام نگرش منفی به: زن و دختر و دختر زایی، نازایی زن، کار خانگی مرد، دخالت زنان در امور قبیله</p>	<p>نظام</p>
<p>نگرش مثبت به: انسان (ورای نژاد و قومیت و جنسیت)، دختر و دخترزایی، اسلام کار و مشارکت مردان در خانه، حضور اجتماعی زن با حفظ حریم و حرمت نگرش منفی به: تبعیض جنسیتی، ننگ دانستن کار مرد در خانه، ننگ دانستن توجه به نظر و حضور اجتماعی زن</p>	<p>نگرش</p>
<p>قبل از متون تحسین کننده شجاعت و برتری جنسیتی مردان، کار الزامی زنان در اسلام خانواده بدون توجه به توان مندی و نیازهای آنان، افتخار به فرزندآوری به ویژه فرزندان پسر، عدم دخالت زنان در امور قبیله و منفی دانستن مشورت با زنان، حاکمیت مطلق مردان.</p>	<p>متن و معنا</p>
<p>متون تحسین کننده برابری جنسیتی، توجه به تفاوت های طبیعی زن و اسلام مرد، تشویق به فرزندآوری و رای جنسیت، توجه خاص و بدون تبعیض به دختران، حضور جدی زنان همراه با حفظ حریم و حرمت در جامعه، مشارکت در کارهای خانواده، مدیریت مرد بر خانواده، عدم اجبار حقوقی کار روزمره در خانه برای زن، کار اخلاقی زن و مرد در خانه، توجه به توان مندی یکدیگر در خانواده.</p>	<p>گفتمان</p>
<p>جاهلی عربی اصیل در برخی موارد شاعرانه با مفاهیم و گزاره های عامیانه جنسیت گرای تحسین کننده قدرت، زور و لذت طلبی (شراب و زن) و در برخی موارد افسانه ای و خرافی</p>	<p>سبک</p>
<p>اسلامی ویژه قرآن کریم (فراتر از نظم و نثر)، نثر فصیح در قالب خطبه، نامه، سخنان کوتاه و دعا با مفاهیم و گزاره های عموم فهم و محتوای عمیق و</p>	

تشویق کننده تفکر، تعقل و پرهیز از خرافه	
قبل از «تشویق» به حمایت (در صورت فرزند پسر آوردن و ...) و «تنبیه» به طرد رتوریک اسلام (برای کار نکردن، نازا بودن یا دختر زای بودن و ...)، و «تهدید» و ایجاد ترس (بعد در زنان و دختران و مردان ضعیف	
«تشویق» به خیر و برکت و روزی زیاد و ... (به دلیل مشکل اقتصادی حاکم بر جامعه در جهت تغییر نظر و نگرش افراد)، و به زندگی خوب و راحت در آخرت، و «تنبیه» به عواقب دنیایی (مانند بروز اختلاف و اسلام ناسازگاری و ...) و آخرتی (مانند جهنمی شدن و ...)؛ اقناع از طریق گزاره‌ها: مانند «استفاده از نظام‌آهنگ»، «عبارت‌های تأکیدی»، «تمثیل» و ... و انجام کارهای غیر مترقبه در بافت اجتماعی (کمک کردن معصومین در کارهای خانگی و ...)	اقناعی)

کنار هم قرار گرفتن ابعاد تحلیل، ارتباط متقابل و چندگانه بافت اجتماعی، ایدئولوژی، نگرش و ابعاد گفتمان با یکدیگر، بهتر به نمایش در آمده است. به طور کلی، برای اصلاح یا تغییر اجتماعی نیاز است به تمامی این ابعاد و رابطه چندگانه و پیچیده آن‌ها توجه شود. به همین دلیل پیامبر اسلام، علاوه بر تبیین جهان بینی در مکه، در مدینه از همان ابتدا، برای ارائه تمامی ابعاد گفتمان جدید و تبدیل به گفتمان حاکم، به تغییر بافت اجتماعی پرداخت. ایجاد وحدت بین قبایل و مهاجرین و انصار و امضاء عهدنامه بین آنها، زمینه گذر از قبیله‌های جدا و متخاصم، به قبیله‌های متحد و حامی یکدیگر و در مسیر شکل‌گیری امت اسلامی را فراهم نمود؛ و بستر نظام سیاسی واحد و ارائه ایدئولوژی و هنجارهای حقوقی و اخلاقی واحد فراهم گردید. در این زمینه متن، سبک و شیوه اقناع هم از طرف وحی که ویژه و خاص بود و هم از طرف معصومین که در عالی‌ترین سطح قرار داشت، نقش مهمی را ایفا نمود. آنچه از مجموع سیره به دست می‌آید و تقسیم کار خانگی بخشی از آن است، این است که، بین ابعاد گفتمان و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی و بافت اجتماعی عام و موضعی، رابطه متقابل و چندگانه وجود دارد که هنگام ارائه گفتمان جدید از سوی معصومین مورد توجه بوده است و توانست بین اطرافیان و ارادتمندان، گفتمان حاکم شود؛ هر چند پس از حکومت حضرت علی (علیه السلام) بازگشتی به سوی قبل از اسلام ملاحظه می‌شود و نیاز است تحقیق‌های عمیق‌تری در این زمینه انجام گیرد.

نتیجه گیری

موضوع مقاله، جامعه‌شناسی تقسیم کار خانگی در سیره معصومین (ع) است. رویکرد اکتشافی و توصیفی به همسرگزینی با تکیه بر بافت کلامی معصومین و بافت اجتماعی آن زمان، محور اصلی بحث پیرامون موضوع است. از مجموع بررسی سیره و بافت اجتماعی آن زمان، در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش این نتیجه به دست آمد، که در تقسیم کار خانگی، آن چه با مبانی اصلی دین مانند توحید و اخلاق محوری و کمال و کرامت انسانی، و یا با اصول خرد محوری مانند نفی ظلم، مخالف بود و بافت اجتماعی ظرفیت داشت، حذف و یا اصلاح شد. در مورد حذف، مواردی که بافت اجتماعی ظرفیت لازم را داشت مانند تحقیر زن، دختر و دخترزایی، زنانه دانستن و اجبار کردن زن به کار روزمره خانه، حاکمیت مطلق مرد بر سرنوشت خانواده، معیار دانستن قدرت و زور در روابط اعضای خانواده، ننگ دانستن توجه به نظر زن و ... را حذف نمود و در مقابل، اخلاق و مشارکت زن و شوهر در کارهای خانه، انسانیت (ورای جنسیت، قدرت و زور)، ارزشمند بودن دختر و زن و پیشرفت آنان، توجه خاص به ارزشمندی فرزند پروری و سرمایه انسانی و نقش کلیدی زن و مادر در این زمینه، مدیریت کلی مرد بر خانواده (با حفظ جایگاه، حرمت و نقش اعضای خانواده)؛ را جایگزین نمود. و مواردی که بافت اجتماعی ظرفیت لازم را نداشت، مانند حضور اجتماعی و جایگاه زن در صحنه‌های اجتماعی را، اصلاح تدریجی نمود تا در زمان حضرت زهرا (س) دفاع از ولایت در صحنه‌های اجتماعی و مدیریت بحران پس از عاشورای حضرت زینب (ع)، به عنوان بخشی از حضور، به منصفه ظهور رسید. به طور کلی، در تقسیم کار خانگی، اگرچه ارزش ها و مبانی اصلی دین نقش مهمی دارند، ولی بافت اجتماعی و خرد جمعی نیز در آن نقش ایفا می کنند.

از مجموع سیره معصومین، پیرامون تقسیم کار خانگی، این ایده به دست آمد که بافت اجتماعی عام نقش مهمی در ارائه گفتمان جدید دارد و بین بافت اجتماعی عام با ایدئولوژی و ارزش های اجتماعی و گفتمان ارتباط متقابل و پیچیده ای وجود دارد که لازم است برای تغییر و اصلاح در هر کدام از آنها ابعاد دیگر نیز مد نظر قرار گیرد. لذا پیامبر اسلام برای تغییر در جامعه از جمله تقسیم کار خانگی، به تغییر بافت اجتماعی عام اقدام نمود و در عین حال به تبیین ایدئولوژی و ارزش های جدید و تغییر در بافت موضعی پرداخت.

پیشنهاد:

در پایان بحث، با تکیه بر تحقیق حاضر، پیشنهاد می‌شود: **اول** آنکه، در زمینه عینی بودن سیره معصومین و امکان مطالعه اکتشافی و توصیفی و جامعه‌شناختی آن پژوهش مستقل و گسترده‌تر انجام شود. و **دوم** آنکه، درباره سایر ابعاد اجتماعی زندگی آنان، پژوهش‌های مستقل با تکیه بر بافت اجتماعی آن زمان به ویژه شرایط و ویژگی‌های مخاطبان آنان، انجام شود. و **سوم** آنکه، چون دامنه داده‌های سیره معصومین در هر بعدی گسترده است، پژوهش به صورت گروهی و جمعی انجام گیرد.

از جمله موانع در تحقیق حاضر، نبودن اطلاعات دقیق نسبت به مخاطبین سخنان معصومین در برخی موارد است که می‌توانست در تعیین معنای کلام مؤثر باشد. لذا لازم است گروه‌های تخصصی حدیث‌شناس، در زمینه مخاطب‌شناسی احادیث پژوهش علمی گسترده انجام دهند.



منابع

فارسی

- ابن شهرآشوب، محمد. (۱۴۱۲.ق). مناقب ال ابی طالب (ع)، بیروت: دارالاضواء، DVD معصومین (ع) مرکز علوم اسلامی (نور).
- بروجرودی، آقاحسین. (۱۳۸۶.ق). جامع الاحادیث الشیعه، جمعی از افراد، تهران: فرهنگ سبز، چاپ اول DVD جامع الاحادیث، مرکز علوم اسلامی (نور).
- بستان، حسین. (۱۳۸۵). اسلام و جامعه شناسی خانواده، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم.
- بستان، حسین. (۱۳۹۷). خانواده در اسلام، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ چهارم.
- بلیکی، نورمن. (۱۳۸۴). طراحی پژوهش‌های اجتماعی، حسن چاوشیان، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- بلیکی، نورمن. (۱۳۸۹). استراتژی‌های پژوهش اجتماعی، هاشم آقابیک پور، تهران: جامعه شناسان، چاپ اول.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۵). زن در آئینه جمال و جلال، قم: نشر اسراء، چاپ اول.
- جعفریان، رسول. (۱۳۸۳). سیره رسول خدا، قم: نشر دلیل، DVD معصومین، مرکز علوم اسلامی (نور).
- حسینی عاملی، جعفر مرتضی. (۱۳۸۶). سیره صحیح پیامبر اعظم، حسین تاج آبادی، قم: نور مطاف، چاپ اول.
- حر عاملی، محمد. (۱۴۱۲.ق). وسایل الشیعه، قم: مؤسسه ال بیت لاحیاء التراث، چاپ اول.
- دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۸۳). سیره نبوی منطق عملی، تهران: نشر دریا، چاپ اول، DVD معصومین (ع) مرکز علوم اسلامی.
- زیبایی نژاد، . (۱۳۸۵). درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، قم: نشر هاجر، چاپ دوم.
- سبحانی، جعفر. (۱۳۶۳). فروغ ابدیت، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- _____ (۱۳۷۶). قرآن کریم، ناصر مکارم شیرازی، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ سوم

- شکرانی، رضا، مهدی مطیع، مرضیه فانی. (۱۳۸۹). گفتمان کاوی و کاربست آن در متون روایی، قم: دو فصلنامه پژوهش، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، ص ۷۱-۱۰۰
- شمس الدین، محمد مهدی. (۱۳۵۱). پژوهشی پیرامون زندگانی امام حسین(ع)، مهدی پیشوایی، قم: دارالتبلیغ اسلامی.
- شهیدی، جعفر. (۱۳۷۳). زندگانی فاطمه زهرا (س)، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم.
- صدوق، محمد. (۱۴۱۰ق). من لا یحضر الفقیه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۹۳ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ سوم.
- طبرسی، حسن بن فضل. (۱۳۶۵). مکارم الاخلاق، ابراهیم میرباقری، تهران، چاپ دوم، DVD اخلاق، مرکز علوم اسلامی (نور).
- علی، جواد. (۱۳۹۱ق). المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بغداد: مکتبه النهضه، کتابخانه دیجیتال نور.
- فیض کاشانی، محسن. (بی تا). المحجّه البیضاء، قم: انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
- قجری، حسینعلی. (۱۳۹۲). کاربرد تحلیل گفتمان در تحقیقات اجتماعی، تهران: جامعه شناسان، چاپ اول.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ق). الکافی (پانزده جلدی)، قم: دار الحدیث، DVD جامع الاحادیث مرکز علوم اسلامی (نور).
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی، منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، چاپ هفتم.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار، بیروت، DVD جامع الاحادیث، مرکز علوم اسلامی (نور).
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۷۲). میزان الحکمه، تهران: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ چهارم.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۵۷). نظام حقوق زن در اسلام، تهران: انتشارات صدرا، چاپ پنجم.
- میرزایی، خلیل. (۱۳۹۵). کیفی پژوهی، تهران: نشر فوژان، چاپ اول.

- نراقی، محمدمهدی. (۱۳۸۳). جامع السعاده، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ سوم.
- واقدی، محمدابن عمر. (۱۳۶۲). المغازی، محمود مهدوی دامغانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول.
- ون دایک، تئون ای. (۱۳۸۲). مطالعاتی در تحلیل گفتمان، گروه مترجمان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیق رسانه، چاپ اول.
- وحیدی، محمد. (۱۳۸۵). احکام خانواده، قم: مرکز نشر سنابل، چاپ اول.

